

کارکرد زبان و ادبیات فارسی در ترویج و تعمیق معنویت (با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری)

مهدی رضازاده قزآن*

چکیده

غناي فرهنگي زبان و ادبيات فارسي که سرشار از ظرافت و زيبايي آفريني است و همچنين پيوند ناگسستني آن با آموزه‌هاي اسلامي، آن را از پسي قرن‌هاي متمادي در خدمت ترويج و تعميق باورهاي معنوي و ديني قرار داده است. کارکردهای گوناگون ادبیات فارسی در عرصه ترویج و تعمیق معنویت با توجه به ظرفیت‌های فراوان آن، در انواع ادبی مختلف به ویژه ادبیات تعلیمی و قالب‌های نظم و نثر، ظهور و بروز یافته است. مقام معظم رهبری به عنوان ادیبی آشنا با فنون و ظرائف ادبی، همواره نسبت به این زبان و ادبیات اهتمام داشته و بر توانمندی و گنجایش عظیم آن تأکید نموده‌اند. ادبیات متعهد، شاعران و نویسندگان انقلابی و مسلمان، در فراز و نشیب‌های گوناگون انقلاب اسلامی نقش موثری در بیداری و آگاهی توده‌ها، ایفا نموده‌اند و شعر و نثر فارسی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، همچنان می‌توانند در خدمت اسلام و ترویج و تعمیق معنویت در جامعه اسلامی و فراتر از آن در جهان اسلام باشد.

کلیدواژه‌ها: زبان و ادبیات فارسی، کارکرد، معنویت، مقام معظم رهبری.

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان و مدرس سازمانی زبان و ادبیات فارسی
مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (sohilrezazadeh@yahoo.com)

مقدمه

ادبیات از ریشه «ادب» است و واژه «ادب» به معنی دانش، حسن رفتار، اخلاق و تربیت بوده و به نوعی از ادبیات اطلاق می‌شود و در فارسی با واژه «فرهنگ یا farhang پهلوی» برابر است. کهن‌ترین گواه بر وجود این واژه عربی در زبان فارسی، بیتی از شهید بلخی (متوفی پیش از ۳۲۵ق) است:

با ادب را ادب سپاه بس است بی ادب با هزار کس تنهاست

(سعادت، ۱۳۸۴: ج ۱، ذیل ادب، ۲۴۳)

ادبیات فارسی، فصاحت و بلاغت خود را مدیون قرآن است؛ زیرا هم از لحاظ ظاهر و هم از لحاظ معنا و باطن، تحت تأثیر این کتاب آسمانی بوده است؛ استفاده ادیبان از استعارات و مجازات قرآنی و تضمین و ترجمه برخی از اجزاء آیات قرآن، گواهی بر این ادعاست؛ بنابراین بن‌مایه‌های قرآنی و اسلامی ادبیات فارسی، آن را به ابزاری مناسب برای نشر، ترویج و تعمیق معنویت تبدیل نموده است.

هدف غایی ادبیات، تأثیر بر نفوس است و یکی از راه‌های تأثیر بیشتر، توجه به جنبه‌های جمال‌شناسانه است، زیرا انسان ذاتاً دوستدار زیبایی است و حتی تعلیم در شیوه‌های آموزشی انبیاء نیز مستقیم نبوده و با رعایت اصل زیبایی‌شناسی است. آموزش فضایل انسانی و اخلاق‌گرایی بر سراسر ادبیات ایران حاکم است و از گذشته‌های بسیار دور بر جنبه تعلیمی ادبیات توجه و تأکید شده است. راز ماندگاری زبان و ادبیات فارسی، با وجود فراز و نشیب‌های گوناگون، در سودمند بودن آنهاست که از آن تعبیر به «کارکرد» می‌شود.

اینکه زبان و ادبیات فارسی (اعم از نثر و نظم) با توجه به ظرفیت‌های خاص خود چه کارکردهایی در ترویج و تعمیق معنویت دارند موضوع این تحقیق است.

۱. کارکرد تعلیمی و آموزشی

ادبیات تعلیمی (didactic literature) به مجموعه نوشته‌ها، پیام‌ها و آثاری گفته می‌شود که برای دریافت‌کننده پیام، توشه دانش، معرفت و یا آموزش و تعلیمی را در حوزه‌های فلسفی، مذهبی،

دین، اخلاق، سیاست، در بر داشته باشند و در کنار انواع ادبی دیگر از جمله غنایی و حماسی و نمایشی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی دارند.

در این نوع از ادبیات، عنصر اصلی، آموزش است و در ادبیات کلاسیک ایران که همچنان ماندگاری خود را به واسطه همین جنبه تعلیمی حفظ نموده است، تعلیم معطوف به مسائل اخلاقی بر گرفته از آموزه‌های دینی است که هدف از آن، تهذیب روح و تعالی انسان جوئی کمال است. روح تعلیم و تربیت و آموزش، در ادبیات فارسی پیش از اسلام و پس از آن در قالب اندرزنانه‌ها و پندنامه‌ها گسترده است.

۱-۱. روش‌های تعلیم

روش‌های تعلیمی ادبیات عبارتند از: ۱. موعظه؛ ۲. پند و اندرز؛ ۳. ارشاد و راهنمایی؛ ۴. ترغیب و تشویق؛ ۵. انذار و تیشیر؛ ۶. تذکر؛ ۷. احترام و تکریم؛ ۸. منطق و استدلال؛ ۹. مجادله و گفتگو؛ ۱۰. قصه و داستان؛ ۱۱. درونی‌سازی ارزش‌ها و مهارت‌های اجتماعی (بصیری، امجدی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۹). با توجه به پیشینه روش پند و اندرز و تاریخچه اندرزنانه‌ها در ادبیات فارسی، به این روش اشاره می‌کنیم:

۱-۲. اندرزنانه‌های تعلیمی پیش از اسلام

اندرزنانه، «عنوان رساله‌هایی است مشتمل بر حکم و پند و اندرز و دستورهای اخلاقی و دینی و سیاسی متعلق به دوره ساسانیان. این کلمه در پهلوی، (handarz)، از ایرانی (ham-darz) به معنی «اتفاق، باهم و محکم کردن است» (دانشنامه زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴، ج ۱: ذیل اندرزنانه). در ادبیات پهلوی (ادبیات پیش از اسلام)، اخلاقیات، بخش مهمی را به خود اختصاص داده است.

مجموعه اندرزنانه‌های ادبیات پهلوی که شامل کلمات قصار و لطیفه‌ها و قصه‌های اخلاقی که جنبه حکمت عملی و تجربی دارند، در کتاب‌های اخلاقی و ادبی پس از اسلام نیز تأثیر گذاشته‌اند. تفضلی به تعدادی از این اندرزنانه‌ها اشاره می‌کند (تفضلی، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۴ و ۲۰۹-۲۱۲) مانند:

۱. اندرزنانه‌های آذرباد مهرسپندان که به چند دسته تقسیم می‌شود: الف: اندرز آذرباد مهرسپندان منقول در متون پهلوی، این اندرزنانه از نوع اندرزنانه‌های تجربی و مربوط به مسائل عملی زندگی و اخلاق عمومی است و این مسکویه بخش‌هایی از آن را در «جاویدان خرد» آورده است.

ب: واژه‌ای چند (از) آذرباد مهرسپندان، شامل سخنانی است که آذرباد (موبدان موبد زمان شاپور دوم ساسانی ۳۰۹-۳۷۹م) در هنگام مرگ خطاب به مردم گفته است. این اندرزنامه به فارسی ترجمه شده است. ج: اندرزی از آذرباد مهرسپندان در دینکرد نقل شده که در آن امور جهان به ۲۵ باب و ۵ دسته تقسیم شده و هر دسته به یکی از عوامل بخت، عمل، خوی، جوهر و ارث منسوب شده است و تحریرهایی از این اندرز در *جاویدان خرد ابن مسکویه و البصائر و الذخائر* توحیدی به عربی و در *نصیحه الملوک* غزالی و *تاریخ گزیده مستوفی* به فارسی وجود دارد. همچنین در کتاب ششم دینکرد، اندرزهایی به آذرباد مهرسپندان منسوب است که به عربی ترجمه شده است.

۲. یادگار بزرگمهر. اندرزنامه بزرگمهر، وزیر انوشیروان، که هدف از تدوین آن را بهبود فرهنگ ساسانی که شایستگی پذیرش آن را دارند، بیان نموده و یادآوری می‌کند که خود او نیز در پرداختن به پارسایی و پرهیز از گناه کوشا بوده است. اندرزا به شکل سؤال و جواب بوده و نوع سوال‌ها پیرامون چگونگی فضیلت - هنر یا ردیلت - آهو یعنی عیب طرح شده است.

این اندرزنامه در دوران اسلامی نیز از شهرت برخوردار بوده است و ترجمه بخش‌های عمده‌ای از آن در *جاویدان خرد* با عنوان «ما اخترته من آداب بزرجمهر» به عربی آمده است. فردوسی نیز این بخشها را با عنوان «گفتار اندر پندنامه بزرجمهر شاه نوشین روان را» به نظم در آورده است. ۳. اندرزهای مردک: کتابی شبیه به *کلیله و دمنه* که از پهلوی به عربی ترجمه شده است و شامل پندهای اخلاقی و ادبی بوده و نزد ادبا از محبوبیت برخوردار بوده است. نقل قول‌هایی از این کتاب در آثار عربی همچون: اشعار ابوالمظفر البلخی به نقل از ثعالبی در *تیمه الدهر و سراج الملوک طرطوشی* انعکاس یافته است.

۴. پاره‌ای از اندرزهای منقول در کتب عربی و فارسی، اندرزهایی است که به قول نویسندگان اسلامی بر روی نگین انگشتی پادشاهان ساسانی حک شده بود؛ مثل: نوشته‌های روی انگشت بهرام گور و انوشیروان و پاره‌ای از اندرزا روی استودان‌ها (استخوان‌دان‌ها)، دخمه‌ها، سنگ‌ها و صخره‌ها.

۱-۳. اندرزنامه‌های دوران اسلام

در دوران اسلامی، اندرزنامه‌ها با عنوان‌های «تحفه» مثل: *تحفه الملوک*، *تحفه الوزراء*، *نصیحه الملوک* و یا عنوان «دب» و «آداب» مثل: *آداب المتعلمین*، *ادب الوجیر* و *ادب الکبیر* و «پندنامه» مثل:

پندنامه بزرگمهر، پندنامه نوشیروان، قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، آفرین‌نامه، یا عنوان «نامه» مثل: نامه‌های غزالی، نامه‌های خواجه عبدالله انصاری، نامه‌های باباافضل کاشانی و یا با عنوان «وصیت» مثل: وصایای ائمه و بزرگان دین و وصایای خواجه نظام‌الملک و یا با عنوان «اخلاق» مثل: اخلاق‌الاشراف، اخلاق ناصری، اخلاق محسنی، اخلاق محتشمی، اخلاق جلالی عرضه می‌شدند.

کتاب اخلاق ناصری، نوشته خواجه نصیر الدین طوسی (۶۷۲ - ۵۹۷ ه.ق) که مؤلف در جای جای آن به آیات قرآن، احادیث نبوی، امثال، اشعار و سخنان برگزیده بزرگان استشهاد نموده است. این کتاب که «مشمول بر اقسام حکمت عملی است» (طوسی، ۱۳۵۶: ۴) مشتمل بر ۳ مقاله در تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن که نویسنده در تدوین آن به حدود ۵۰ آیه و حدیث به صورت مستقیم اشاره نموده است.

مباحث اخلاقی کتاب اخلاق ناصری هنوز هم طراوت و تازگی خود را از پس قرن‌ها حفظ نموده و به دیگر زبان‌های اسلامی و اروپایی ترجمه شده است. از جمله رساله نفس ابن‌عبری که آن را اقتباس و ترجمه‌ای از اخلاق ناصری دانسته‌اند و الاخلاق النصیری که ترجمه اخلاق ناصری به عربی است و اخلاق علایی که برخی آن را ترجمه ترکی اخلاق ناصری دانسته‌اند و ترجمه ج.م.ویکنز (G.M.wickens) به انگلیسی (دانشنامه زبان فارسی، ذیل مدخل اخلاق ناصری، ج: ۱: ۲۳۱-۲۳۲). بسیاری از آثار ادبی و اخلاقی و حتی فلسفی نیز دربرگیرنده اندرز بود؛ آثاری مثل بوستان و گلستان سعدی، بهارستان و هفت اورنگ جامی از این گونه‌اند.

در ادبیات فارسی، قالب شعری قطعه، برای بیان پند و اندرز به کار گرفته می‌شد و بعدها قالب‌های غزل و قصیده هم در خدمت اندرز قرار گرفتند. بسامد کاربرد اندرز در آثار بزرگان ادب فارسی قابل توجه است به گونه‌ای که سعدی در غزلیاتش نزدیک به ۴۰ بار از واژه «پند» و ۳۰ بار «نصیحت» و ۲۰ بار «نصیحت کردن» استفاده نموده و حافظ ۱۷ بار از واژه «پند»، «نصیحت» ۱۴ بار، «نصیحت کردن» ۶ بار، «نصیحت‌گو» ۴ بار استفاده کرده است (همان).

این اندرزها بنا به هدف و نوع مخاطب، به ۲ دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۳-۱. اندرز مستقیم عام

مخاطبین این نوع اندرز، عموم مردم هستند و مانند موعظه، شخص خاصی مورد خطاب نیست شبیه خطاب‌های «یا ایها الناس» و «یا ایها الانسان» در قرآن کریم و مثنوی مولوی در بسیاری از حکایت‌ها از این شیوه بهره برده است.

۱-۳-۲. اندرز غیرمستقیم

معمولاً شیوه دعوت و ارشاد انبیاء به صورت غیرمستقیم بوده و حدیث «کونوا دعاه الناس بغیر السنتم؛ مردم را به غیر از زبانتان دعوت به دین کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۳۰۹)، گواه این مدعاست. شیوه حافظ در برخی از غزلیاتش از این نوع است.

۲. کارکرد مذهبی

۱-۲. در خدمت دین اسلام

مقام معظم رهبری زبان فارسی را زبان اسلام راستین و زبان اسلام انقلابی و زبان اسلامی که می‌تواند ملت‌ها را بیدار کند، می‌داند (مقیسه، ۱۳۹۵: ۸۸). زبان و ادبیات فارسی بیشترین خدمت را به دین اسلام نموده است و شهید مطهری در این زمینه چنین می‌فرماید:

یکی از مظاهر خدمات ذوقی و احساسی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده‌اند. ادبا، عرفا و سخنوران ایرانی حقایق اسلامی را با جامه زیبای فارسی به نحو احسن آرایش داده‌اند. حقایق اسلامی را با تمثیلاتی لطیف مجسم کرده و معانی لطیف قرآنی را در قلب حکایاتی شیرین بیرون آورده‌اند. مثنوی مولانا بهترین شاهد این مدعا است. خدمات زبان فارسی در این موضوع بحث و تحقیق جداگانه‌ای است. اگر کسی در این موضوع مطالعه کند، می‌بیند این زبان در طول عمر تقریباً هزار و دویست ساله خود در دوره اسلام بیش از هر چیز دیگر در خدمت اسلام بوده است (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۷۵).

این کارکرد آن قدر موثر است که ایشان معتقدند: «چه خوب بود که چند زبان دیگر همچون زبان فارسی در میان مسلمین وجود داشت که هریک می‌توانستند با استعداد مخصوص خود به اسلام خدمت جداگانه‌ای بنمایند» (همان: ۱۰۲).

۲-۲. در خدمت مذهب تشیع

می‌توان ادعا نمود مذهب تشیع، ترویج و تعمیق خویش را مدیون ادبیات است. تأثیری که ادبیات و به خصوص شعر فارسی در گسترش و معرفی مذهب تشیع داشته و دارد، غیر قابل انکار است.

مذهب تشیع نیاز به تبیین دارد و ادبیات فارسی اعم از نظم و نثر، به خوبی می‌تواند وظیفه‌ای را که زمانی «دعبل» و «فرزدق» و «کمیت» و امروزه بسیاری از شعرای آیینی و نویسندگان مذهبی در زمینه تبیین مذهب انجام می‌دادند، ایفا نماید.

کارکرد تبیینی ادبیات در مذهب تشیع به قدری اهمیت دارد که در طول زندگی ائمه (علیهم‌السلام) تجلیلی که از شعرایی چون: فرزدق، کمیت و دیگران می‌شد، به مراتب بیشتر از «محمدبن مسلم» و «زُراه» و دیگرانی بود که از اصحاب عالی‌مقام به شمار می‌رفتند. زیرا «... اینها در یک جا حرفی زدند و نکته‌ای را روشن کردند که مثل خورشیدی بر ذهن‌ها و دل‌ها تابیده و حقیقتی را برای مردم روشن کرده است» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3083>).

اهتمام، تجلیل و تجلیل مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از شعرا و نویسندگان و برپایی محفل شعر، بیانگر جریان داشتن نقش تبیینی ادبیات فارسی و کارکرد مذهبی آن است.

۳. کارکرد سیاسی

شعارهای انقلابی مردم مسلمان ایران از خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷، مصداق بارزی از حضور ادبیات فارسی در صحنه‌های حسّاس سیاسی است و در سراسر عمر پربار انقلاب و به هنگام حوادث و فتنه‌های گوناگون، ادیبان متعهد در قالب شعر و نثر، همواره وظیفه انقلابی خویش را ادا نموده‌اند.

صدور انقلاب اسلامی، از آرمان‌های امام راحل (ره) بود و ابزار صدور انقلاب، زبان فارسی است و به فرموده رهبر معظم انقلاب: «امروز برای رساندن پیام انقلاب، کاربرد زبان فارسی در دنیا از کاربرد زبان عربی - که زبان دین ما است - بیشتر است» (<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=19709>)

۴. کارکرد زیبایی‌شناختی

انسان برای یافتن زیبایی، ادبیات را برمی‌گزیند زیرا توجه ادبیات به جنبه‌هایی است که با روح و زیبایی‌شناختی مرتبط است؛ بنابراین مهم‌ترین کارکرد ادبیات، زیبایی‌شناختی است. «گوینده برای تأثیر بیشتر کلام خود، به آراستن کلام خود می‌پردازد و از این نقش، مدد جسته و از زبان، به عنوان یک اصل زیبایی‌آفرین استفاده می‌کند» (باقری، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

مقام معظم رهبری یکی از مشکلات اساسی در کارهای علمی اسلامی را عدم برخورداری از آرایه‌های ادبی و هنری می‌دانند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19955>). آثار مذهبی و دینی تنها در صورت توجه با جنبه‌های زیباشناسانه با رغبت خوانندگان مواجه خواهند شد و محتوای خوب به تنهایی نمی‌تواند مخاطب را جذب نماید زیرا انسان فطرتاً به دنبال زیبایی است.

۵. کارکرد وحدت بخش

یکی از کارکردهایی که به ذات ادبیات نزدیک است، کارکرد وحدت‌بخشی است زیرا «وحدت نسل‌های مختلف، با ادبیات حاصل می‌شود؛ یعنی با شعر، با کلام، با سخن» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2597>).

ادبیات فارسی به عنوان رابط میراث فرهنگی کشور از نسلی به نسل دیگر و عامل اتصال ملت ایران به گذشته فرهنگی و تمدنی خویش است. وحدت‌بخشی ادبیات تا جایی است که قوام بسیاری از تشکلهای سیاسی نیز به ادبیات آنها بستگی دارد. مقام معظم رهبری در این مورد به عنوان شاهد مثال، ادبیات قوی را یکی از عوامل توفیق و دوام و گسترش حزب توده می‌داند (مقیسه، ۱۳۹۵: ۵۴).

با توجه به گستره زبان و ادبیات فارسی در مناطقی از جهان، این زبان و ادبیات می‌تواند عامل وحدت‌آفرین کشورهای فارسی زبان باشد و در ترویج و تعمیق معنویت به این نقاط نقش‌آفرینی نماید.

۶. کارکرد نثر فارسی در ترویج و تعمیق معنویت

«آنچه در زبان اهل ادب نثر خوانده می‌شود، سخنی است که در قید وزن و آهنگ قراردادی معمول در شعر، محدود نیست ... کهنه‌ترین نمونه‌های موجود نثر فارسی که ورای فواید علمی و زبان‌شناختی محض، از ابداع ادبی هم تا حدی نشان دارد، به عصر سامانیان مربوط است» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۲۱ و ۲۷).

در طول حیات پر بار زبان و ادبیات فارسی، قالب نثر با شیوه پند و اندرز و بیانی نزدیک به شعر و نظم و آمیخته با زیبایی‌های ادبی در خدمت ترویج معارف اسلامی و تعمیق معنویت بوده و هست.

۶-۱. گونه‌های نثر فارسی

۶-۱-۱. قصه

رسم قصه‌گویی در تاریخ ادبی ایران، مشابه یا به تقلید از آنچه که هم‌زمان با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه رواج داشت، به شیوه شفاهی و قرأت در بازارها و معابر رواج داشت. قصه‌های ایرج و سهراب، رستم و سهراب و سیاوش به همین صورت نقل و تکرار می‌شد. غالب قصه‌ها مربوط به وقایع پهلوانی و جنگ‌ها و ذکر شجاعت عیاران و جوانمردان محلی بود. قصه‌های «سمک عیار» از این گونه است.

پس از ظهور اسلام، کنجکاوای علاقه‌مندان به تفاسیر قرآنی و احوال و قصص پیامبران، نوعی از تفاسیر را خلق نمود که فارغ از توجه به مسائل لغوی و زبانی و نکات فقهی و کلامی، برای جلب توجه عامه نگاشته می‌شدند و بیشتر به ذکر قصص قرآنی و مواظ و عبرت‌ها می‌پرداختند؛ تفسیر *سورآبادی* نوشته ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی (متوفی ۵۴۶۵ق) و تفسیر *اسفراینی* معروف به تفسیر *طاهری* نوشته ابوالمظفر طاهر اسفراینی (متوفی ۵۴۷۱ق) از این نوع‌اند؛ همچنین کتاب‌هایی با عنوان *قصص الانبیاء* به وجود آمدند که شامل شرح و تبیین آیات مربوط به احوال انبیاء و امت‌های گذشته بود، *قصص الانبیاء* تألیف ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری در قرن پنجم از این جمله است.

در قرون بعدی، استفاده از حکایات گوناگون در گلستان سعدی و بیان حکایت‌هایی از زبان حیوانات در آثاری مثل: *مرزبان‌نامه* و *کلیله و دمنه*، تلاش نویسندگان را برای ارشاد و ترغیب مخاطب نشان می‌دهد.

گلستان سعدی، اثر گرانسنگی که در قرن هفتم تدوین شده و یکی از شاه‌کارهای ادبی دنیا محسوب می‌شود و معرف حضور همه ایرانیان فرهنگ‌دوست است. در *گلستان*، پندهای ادب پهلوی با حکمت عملی دوران اسلامی متبلور می‌شوند. در این اثر به ۳۰ آیه و ۱۵ حدیث اشاره شده و در ۸ باب تدوین شده که بر مبنای اندیشه‌های دینی و قرآنی، هر باب مشتمل بر پیام‌های اخلاقی فراوانی است. باب اول: ۴۱ پیام، باب دوم: ۴۷، باب سوم: ۲۹، باب چهارم: ۱۴، باب پنجم: ۲۰، باب ششم: ۹، باب هفتم: ۲۰، باب هشتم که در آداب صحبت و همنشینی است: ۱۰۹ پیام اخلاقی را داراست.

تأثیر قصه‌سازنده به اندازه‌ای است که مقام معظم رهبری در تمجید از «مهدی آذریزدی» خالق کتاب‌های قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، خود را مدیون ایشان می‌داند (مقیسه، ۱۳۹۵: ۱۴۲) و به تهیه این کتاب برای فرزندان و اطرافیان خود در دوران طاغوت اشاره نموده و در این باره می‌فرماید: «ایشان [آذر یزدی]، یک خلأ را در یک برهه‌ای از زمان برای زنجیره طولانی فرهنگی این کشور، پر کردند» (همان: ۱۴۳)، بنابراین وظیفه قصه، پر کردن خلأ فرهنگی است.

۶-۱-۲. داستان

مقام معظم رهبری بر اهمیت مقوله داستان تأکید داشته و معتقدند، قصه‌نویسی از قدیم در ایران رواج داشته است و سابقه داستان‌گویی، داستان‌پردازی و داستان‌نویسی ایرانیان به خصوص در دوران پس از اسلام، کم نیست (دغدغه‌های فرهنگی، ۱۳۹۱: ۴۹). پیشینه رسمی داستان‌نویسی در ایران به پس از مشروطیت می‌رسد و اولین داستان با عنوان «یکی بود یکی نبود» توسط جمال‌زاده در سال ۱۳۰۰ شمسی نوشته شد و پس از آن افرادی همچون: بزرگ علوی، جلال آل احمد و ... این راه را ادامه دادند. معمولاً بین داستان و قصه تفاوتی قائل نمی‌شوند ولی فرق این دو در «چه» و «چرایی» است. در قبال رویدادهای قصه، معمولاً این سؤال ایجاد می‌شود که «چرا؟» ولی در داستان، حوادث متوالی نقل شده و خواننده به دنبال «چه می‌شود؟» است.

اگر بخواهیم به عنوان نمونه به کارکرد موفق داستان در تعمیق معنویت اشاره نماییم، بهترین نمونه، کتاب «داستان راستان» اثر شهید مطهری است که با گذشت سال‌ها از نشر آن، همچنان طراوت و تازگی خویش را برای مخاطب حفظ نموده است.

۶-۱-۳. رمان

به داستان بلند یا نوول (Novel)، «رمان» (Roman) می‌گویند. این نوع ادبی در اروپا مرسوم بوده و در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ ه.ق با نزدیک شدن زبان نثر فارسی به زبان عامیانه ابتدا به شکل نمایشنامه‌نویسی و به تقلید از اروپاییان، در ایران مرسوم شده است.

پیش از انقلاب اسلامی ایران، رمان‌نویسی رایج بود و کسانی مثل صادق هدایت، صادق چوبک و دیگران متأثر از نویسندگان غربی رمان‌هایی با مضامین نیهیلیستی و پوچ‌گرایی نوشته‌اند که بوف کور یک نمونه از این رمان‌هاست.

در همان زمان، کسانی مثل جلال‌آل احمد، رمان‌هایی خلق نمودند که سرآمد بود:

انصافاً، رمان آل احمد، سرآمد رمان‌های فارسی ماست. تا آن جایی که بنده می‌شناسم، رمان آل احمد، رمان سرآمدی است؛ یعنی برتر از همه آنهاست و از این‌های دیگر بهتر است. و آلاً دیگران که نوشتند، چیزی نوشتند. من می‌گویم در این زمینه، شما اگر این نهال جدید را، این جهت نو را، پیگیری کنید، همان چیزی خواهد شد که ما امروز احتیاج داریم؛ یعنی رمان ایران و داستان‌نویسی ایران را به آن رشد و تعالی خواهد رساند. لذا، معتقدم که این کار و ترویج آن، باید دنبال شود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29858>).

پس از انقلاب اسلامی، متأثر از فضای جنگ تحمیلی، رمان، مسیر تعالی خود را طی نمود زیرا: یکی از عواملی که هنر و ادبیات را در هر کشوری به شکوفایی می‌رساند، حوادث سخت، از جمله جنگ است. زیباترین رمان‌ها، بهترین فیلم‌ها و شاید بلندترین شعرها، در جنگ‌ها و به مناسبت جنگ‌ها نوشته شده، به تصویر کشیده شده، سروده شده و به وجود آمده است. در جنگ ما هم همین‌طور بود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2888>).

پس از جنگ، رمان‌های نوشته شده توسط سید مهدی شجاعی، رضا امیرخانی، صادق کرمیار و ... که با پیرنگی مذهبی و دینی نوشته شده‌اند، عموماً در خدمت ترویج و تعمیق معنویت به ویژه در میان نسل جوان کشور بوده‌اند.

۷. کارکرد شعر در ترویج و تعمیق معنویت

از دیدگاه شفیعی کدکنی، «شعر، گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۶). همچنین «شعر، حوزه رستاخیز کلمه‌هاست با رعایت اصل ایجاد زیبایی» (همو، ۱۳۹۵: ۱۳).

شعر و شاعری، در اسلام و میان مسلمین به صورت جدی و رسمی مطرح بوده و همواره یکی از بهترین وسایل برای بیان و ابلاغ حقایق بوده است. کمک شاعرانی همچون: حسّان بن ثابت و عبدالله بن رواحه و ... به اشاعه اسلام، غیرقابل انکار است و بسیاری از تابعین و محدثین اسلامی، اشعاری عالی در تعلیم و تربیت و اخلاق سروده‌اند. پیامبر شاعری را تشویق نکرد ولی به شعر شاعران گوش داد (زرّین کوب، ۱۳۹۲: ۲۰۰).

علامه محمدتقی جعفری در بیان رسالت شعر و شاعری، معتقد است: «شعر و استشهاد به آن برای توصیف «آن چنان که هست» و «آن چنان که باید» در دو قلمرو انسان و جهان، در اسلام به طور جدی و به عنوان یک وسیله شایسته برای اهداف عالی «حیات معقول» مطرح

است» (زیادی، ۱۳۸۰: ۱۴۲). ایشان به نمونه‌هایی از استشهاد امام علی، امام حسین، امام حسن، امام علی بن الحسین و امام رضا علیه السلام به شعر اشاره می‌کند (همان: ۱۴۲-۱۵۱).

۱-۷. ویژگی‌های شعر فارسی

۱-۱-۷. نگهبان زبان فارسی

شعر فارسی، نگهبان و رواج‌دهندهٔ زبان فارسی بوده و هست و اهل ادب و ذوق و فارسی‌زبانان با شعر فارسی به فراگیری زبان فارسی پرداخته‌اند. قبل از چاپ کتب و باسواد شدن مردم، تعداد کتاب‌ها به نثر محدود بود و به دست همگان نمی‌رسید اما شعر دهان به دهان نقل می‌شد و با توجه به لطافت شعر، نقل دهان به دهان آن در استحکام زبان موثر بود.

داستان‌های حماسی، عشقی، اخلاقی و عرفان و تصوف که در شعر به صورت غزل‌های عارفانه و داستان‌های عرفانی مورد توجه و پسند فارسی‌زبانان بوده و معمولاً حفظ می‌شد و یا شاهنامه فردوسی که در مجالس خانوادگی و مراکز اجتماع مردم خوانده می‌شد، آنان این شاهکار را بر لوح جان می‌نگاشتند و داستان‌ها و اشعار عارفانه‌ای که در خانقاه‌ها خوانده می‌شد و بر دل و جان محفوظ می‌ماند. همهٔ اینها شیوه‌هایی برای حفظ زبان فارسی بود.

تشویق امرا و حاکمان از شعرا و فراخواندن آنان به دربار باعث گسترش زبان فارسی می‌شد و به عنوان نمونه، شعر رودکی در دربار امیرنصر سامانی و شعر شاعران دربار محمود غزنوی و شاعران دربار سلجوقیان و شاعران دربار پادشاهان هند و سلاجقه آسیای صغیر و نقاط دیگر که همه، زبان فارسی را در آن مناطق رواج می‌دادند.

مهم‌ترین عامل در رواج شعر، مضامین و محتوای اشعار بود که مورد توجه ذوق‌ها و اندیشه‌های گوناگون واقع می‌شد و به دنبال آن، زبان فارسی نیز رونق و دوام می‌یافت. ذوق ناشی از خواندن اشعار اخلاقی بوستان و نظامی باعث به خاطر سپردن آنها می‌شد. غزل‌های عاشقانه و دوبیتی‌ها و فهلویت‌ها نیز در بزم‌های گوناگون خوانده و حفظ می‌شد. اشعار مذهبی به صورت داستان، قصیده و غزل و به خاطر سپردن آنها، در گسترش و رونق زبان فارسی موثر بود.

۲-۱-۷. موثرتر از خطابه و کتاب

زبان گویای شعر، ابزاری قدرتمند است که می‌تواند مفاهیم و معانی بسیار بلند و مشروح را در قالب ابیاتی کوتاه بیان کند. در *مرزبان نامه* (۷۷ه.ق)، جمله‌ای از احمدغزالی پیرامون بیتی از

فردوسی که محتوایی پندآموز دارد، نقل شده که بر قدرت تأثیرگذاری شعر تأکید می‌کند: «ای مسلمانان! هرچه من در چهل سال از سر این چوب پاره شما را می‌گویم، فردوسی در یک بیت گفته است؛ اگر بر آن خواهید رفت، از همه مستغنی شوید» (رواینی، ۱۳۸۸: ۲۰۶) و آن بیت این است:

ز روز گذر کردن اندیشه کن پرستیدن دادگر پیشه کن

(فردوسی، ۱۳۹۴: ج ۱: ۴۲۳/۸)

بنابراین تأثیر شعر می‌تواند از تأثیر کتاب‌ها و خطابه‌های مطول بیشتر باشد. «گاهی یک شاعر، یک بیت شعر می‌گوید که از چند ساعت حرف زدن یک سخنور توانا گویاتر است» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2252>). «برای حفظ یک بنای اعتقادی یا عاطفی، آنقدر که یک شعر اهمیت دارد، چندین کتاب اهمیت ندارد» (همان).

۷-۳-۱. موثر در نفوس

علت غایی ادبیات را تأثیر و نفوذ در دل‌ها ذکر کرده‌اند (شمیسا، ۱۳۹۳: ۴۴). شعر وقتی به غایت خود می‌رسد که در نفوس تأثیر کند و تأثیر یعنی عاطفه و خیالی را که در آن هست، به دیگران سرایت دهد ... شعری از قبول خاطر بهره‌مند می‌شود که در نفوس تأثیر بیشتری کند (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۳۲). بنابراین تأثیر اشعار تعلیمی، دینی، اخلاقی و اجتماعی غیرقابل انکار است.

شعر خوب شعری است که برانگیختگی و جوشش و عکس‌العمل مخاطب را به همراه داشته باشد و به عبارت دیگر، در نفوس تأثیر گذارد؛ از نوع شعری که رودکی (ه.ق)، برای رهایی سپاهسانی که از اتراق طولانی امیر سامانی به ستوه آمده بودند، با مطلع «بوی جوی مولیان آید همی» سرود و با تصویرگری منحصر به فرد، امیر را پابرنه راهی بخارا کرد.

مقام معظم رهبری تأثیرگذاری شعر را اینگونه بیان می‌فرماید:

مگر شعر چه خصوصیتی دارد؟ چون تأثیر شعر در ذهن مخاطب بیشتر است. گاهی یک شاعر، یک بیت شعر می‌گوید که از چند ساعت حرف زدن یک سخنور توانا گویاتر است. یک بیت یا یک مصرع شعر، در ذهن‌ها می‌ماند و مردم آن را می‌فهمند و تکرار می‌کنند و نتیجتاً ماندگار می‌شود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2252>).

۷-۴-۱. متأثر از آموزه‌های دینی

بدیهی است که فاقد شیء نمی‌تواند معطی شی باشد؛ بنابراین شعری می‌تواند مروج معنویت و تعمیق‌بخش و ظلم‌ستیز باشد که بر بنیادی استوار بنا شود. قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه

با مضامین و مفاهیمی الهی، منابعی مستحکم برای آفرینش شعر به شمار می‌روند. رهبر معظم انقلاب، به مفاهیم بلند و درس‌آموز ادعیه و مناجات اشاره می‌فرماید که قابلیت انعکاس در اشعار مذهبی را دارند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36223>).

۷-۱-۵. پاسدار هویت فرهنگی

در برشمردن شاخصه‌های هویت ملی ایرانیان، عده‌ای عناصر هویت ملی را به ۴ دسته: ۱. ارزش‌های ملی (اعم از: سرزمین، زبان، نهاد‌های ملی، سنت‌ها و ادبیات ملی)؛ ۲. ارزش‌های دینی؛ ۳. ارزش‌های اجتماعی؛ ۴. ارزش‌های انسانی (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۲۳) و برخی به ۶ دسته: ۱. اجتماعی؛ ۲. تاریخی؛ ۳. جغرافیایی؛ ۴. سیاسی؛ ۵. دینی؛ ۶. فرهنگی و ادبی (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳) تقسیم می‌کنند.

وجه مشترک این تقسیم‌بندی‌ها، وجود و یا پیوند دین و زبان به عنوان شاخصه‌های سازنده هویت ملی است. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی بر این باورند که، از دیدگاه مقام معظم رهبری، هویت ملی ایرانیان بر ۲ پایه دین اسلام و زبان فارسی بنا شده است (مقیسه، ۱۳۹۵: ۳۰). بر اساس دیدگاه ایشان، شعر که ریشه در هویت ملی یعنی زبان فارسی دارد، می‌تواند پاسدار هویت فرهنگی باشد.

همین هویت فرهنگی است که آدمی مثل امام را در جامعه پرورش می‌دهد؛ این را باید نگه داشت. این را شما می‌توانید نگه دارید. شعر باید پاسدار این هویت باشد و این هویت هم درواقع همان عقلانیت معنوی است که ما روی آن - روی مسئله عقلانیت معنوی و خرد جمعی جامعه - تکیه می‌کنیم؛ این هویت فرهنگی در واقع همان عقلانیت است؛ این را بایستی شما در شعر خودتان مراقبت بکنید، حفظ کنید؛ اخلاق والای اسلامی را، حکمت معنوی، الهی و اسلامی را، توحید را، خداپاوری را، انصاف را، صداقت را و همه‌ی آن چیزهایی که در شعر فاخر فارسی وجود دارد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26956>).

۷-۱-۶. ابزار تبلیغات

شعر هدفمند و ظلم‌ستیز، ابزاری تبلیغی، سازنده و کارآمد است که در طول تاریخ اثرگذار بوده، شعر ستیزنده ناصر خسرو قبادیانی و اشعاری که در مبارزه با نظام شاهنشاهی سروده می‌شد، از این جنس‌اند. نقش شعارهایی که ریشه در فرهنگ اسلامی داشتند و در پیروزی انقلاب اسلامی بر زبان مبارزان جاری می‌شد، هنوز خاطره‌انگیز و جاودانه است. بنابراین:

مبارزه با ظالمان، منحصر به مبارزه با شمشیر نیست و امروز تبلیغات در دنیا حرف اول را می‌زند که می‌توان با ابزار بیان و شعر با ظالمان مبارزه کرد و در سال‌های اخیر نیز نمونه‌های بسیار خوب و امیدوارکننده‌ای در این خصوص تولید شده است
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36223>)

۷-۶-۱. تمثیل، نمونه‌ای از ابزار تبلیغ در ادبیات تعلیمی

تمثیل، از موثرترین شکل‌های ادبی برای تبلیغ آموزه‌های دینی و اخلاقی بوده است (فتوحی، ۱۳۹۳: ۲۵۰). کتاب‌های آسمانی آکنده از حکایات و امثال اخلاقی و فلسفی است. قدیمی‌ترین نمونه‌های تمثیلی را در تورات می‌توان یافت. در کتاب مقدس (اول پادشاهان، ۴: ۳۳) آمده که حضرت سلیمان «سه هزار مَثَل گفت و سرودهایش هزار و پنج بود» **וְיָדַבֵּר שְׁלֹשֶׁת אֲלָפִים מְשָׁל וְיְהִי שִׁירוֹ חֲמִשָּׁה וָאָלֶף.**

مَثَل کوتاه در تورات بیش از تمثیل به کار رفته است. هدف از مَثَل، به قول مسترهاکس «ایضاح معانی روحانیّه از برای مؤمنین و مخفی داشتن آنها از غیرمؤمنین است. عبرانیان قدیم امثال را محض تعلّم و تخویف و اخبار و ممانعت قرار دادند» (هاکس، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۳). تمثیل در قرآن کریم نیز کاربرد دارد از جمله در سوره مبارکه جمعه آیه ۶: «مَثَل الَّذِینَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوهَا کَمَثَلِ الْحِمَارِ یَحْمِلُ اَسْفَارًا؛ مَثَلِ اُنَّانِ کَہ تَوْرَاتِ رَا حَمَل نَمُودَه وَ خَلَا فِ اَن عَمَل مِی کُنند، مَثَلِ خِرَانِی اَسْت کَہ بَار کِتَاب‌هَآ رَا بَرِیْشْت حَمَل مِی کُنند». فتوحی تمثیل را از لحاظ محتوای نهفته در آن، به ۵ دسته تقسیم می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۳: ۲۶۲-۲۶۶):

۱. تمثیل اخلاقی، حکایات اخلاقی بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه از این نوع‌اند.
۲. تمثیل سیاسی - تاریخی، برخی حکایت‌های انتقادی - اجتماعی در مثنوی‌های عطار، حکایات حیوانات سیاسی کلیله و دمنه، قصه موش و گربه عبید زاکانی، از این دسته‌اند.
۳. تمثیل اندیشه، بسیاری از تمثیل‌های فلسفی و مذهبی از این نوع‌اند. مثنوی‌های سنایی غزنوی، عطار نیشابوری و مولوی از این نوع‌اند.
۴. تمثیل رمزی، برخی از داستان‌های مشهور ادبیات صوفیانه مثل: داستان حَیّ بن یقظان اثر ابن سینا، منطق الطیر عطار، داستان‌های سهروردی، پادشاه و کنیزک در مثنوی و ... از این دسته‌اند.

۵. تمثیل رؤیا، ارداویراف نامه،^۱ مثنوی سیر العباد الی المعاد سنایی از این نوع‌اند.

۷-۱-۷. ابزار تبیین سبک زندگی اسلامی

در شبیخون فرهنگی دشمن، بنیان خانواده از اهداف مورد توجه دشمنان بوده و هست. راه‌کار مقابله با این توطئه، ارائه و تبیین سبک زندگی اسلامی است و استفاده از قالب شعر، یکی از راه‌کارهاست. مقام معظم رهبری، هدف از هجمه به سبک زندگی اسلامی را، ایجاد عزم، اراده و حرکتی مطابق با میل دستگاه‌های غربی دانسته و یکی از راه‌کارهای مقابله را اینگونه تبیین می‌فرماید: «در مقابل این هجمه، دفاع کردن و دور خود حصار کشیدن کافی نیست، بلکه می‌توان با تبیین سبک زندگی اسلامی و بیان مفاهیم و مبانی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی در قالب شعر به وظیفه‌ی خود عمل کرد» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36223>).

۸-۱-۷. در خدمت دین و انقلاب

«شعر انقلاب باید در خدمت مفاهیم انقلاب باشد» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8001>). در دوران دفاع مقدس، اشعار زیبا و حماسی عامل مؤثری در تهییج رزمندگان برای حضور پرشور در جبهه‌ها بود و هنگام بروز فتنه‌ها، ادبیات به خصوص شعر فارسی در بصیرت‌آفرینی توده‌های مردم نقشی مؤثر و سازنده داشته است.

شعر، وقتی می‌تواند در خدمت آرمان‌های انقلاب باشد که شاعر از بصیرت برخوردار باشد. چون در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است؛ شناخت اطراف قصه دشوار است؛ شناخت مهاجم و مدافع دشوار است؛ شناخت ظالم و مظلوم دشوار است؛ شناخت دشمن و دوست دشوار است. اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی‌بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است (همان).

بهترین خدمت شعر در عرصه‌های بحرانی انقلاب، تبیین است، مقام معظم رهبری معتقدند: در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد؛ بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد و این، تبیین لازم دارد. یعنی همان کار انبیاء؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته‌اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معناست. اگر چه که بلاغت را در کتب فنی به معنای مطابقتی با

۱. عنوان کتابی است به پهلوی، درباره سفر موبدی به نام «ویراف» به بهشت، دوزخ، برزخ. (ر.ک. به دانشنامه زبان و ادب فارسی، ذیل ارداویراف نامه).

مقتضای حال معنا می‌کنند، اما آن یک معنای خاصی از بلاغت است؛ معنای اولی و صریح بلاغت این نیست؛ بلاغت یعنی رساندن، بلاغ یعنی رساندن (همان).

۷-۱-۹. جبران‌کننده خلأ معرفتی

ادبیات اعم از نظم و نثر، می‌تواند در دنیایی که ارزش‌های معرفتی و اخلاقی مورد شبیخون فرهنگی دشمن قرار گرفته‌اند و دچار خلأ و آسیب شده‌اند، به کار آید و با بهره‌گیری از معارف ناب ائمه علیهم‌السلام گره‌گشایی کند.

شما ببینید امروز نسل جوان شما - چه دخترهاتان، چه پسرهاتان - و جامعه‌ی شما از خلأ کدام معرفت رنج می‌برند و آسیب می‌بینند؛ از کمبود کدام عنصر سازنده‌ی اخلاقی رنج می‌برند؟ آن عنصر اخلاقی را در وجود فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام و در فضایل آن بزرگوار و این وجودهای مقدس پیدا کنید و به زبان شعر - که زبان هنر هست - آن را القا و بیان کنید. ببینید ما در زندگی سیاسی و اجتماعی‌مان به کدام درس اهل بیت علیهم‌السلام احتیاج داریم؟ آن را از زندگی این بزرگواران و این بزرگوار بخصوص استخراج کنید و با زبان شعر بیان کنید؛ اینها لازم و مهم است [.http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3246](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3246)

۷-۱-۱۰. سازنده محتوای نوحه‌های تأثیرگذار

انقلاب اسلامی، متأثر از قیام عاشورا است و آنچه که تاکنون نظام و انقلاب را بیمه نموده، مجالس عزاداری بوده و همچنین آنچه به این مراسم شور می‌بخشد، حضور جوانان عاشورایی است که باید آن را فرصتی مغتنم برای ترویج و تثبیت و اشاعه‌ی اسلام و فرهنگ ناب تشیع دانست. در برپایی مراسم سوگواری اهلبیت علیهم‌السلام، قرائت اشعار خوب با طنین و لحنی مناسب و مهیج می‌تواند عاملی مؤثر در ترویج و تعمیق معنویت به ویژه در میان نسل جوان باشد. برگزاری مراسم عزاداری اهلبیت علیهم‌السلام در محضر رهبر معظم انقلاب، بیانگر اهمیت این مجالس است. معظم‌له درباره‌ی تأثیر نوحه با مضمون می‌فرمایند:

شما ببینید میلیون‌ها افراد و امروز غالباً جوان، می‌ایستند به یک گوینده‌ای که دارد نوحه می‌خواند، گوش می‌کنند و آن شعر و آن آهنگ در آنها حالت هیجان به وجود می‌آورد؛ سینه می‌زنند، گریه می‌کنند، اعتقادشان، احساساتشان، عواطفشان نسبت به مفاهیم دینی بیشتر می‌شود، این خیلی فرصت مهمی است؛ ما از این فرصت باید استفاده کنیم. ما که می‌گوییم یعنی کشور باید استفاده کند؛ اسلام باید استفاده کند؛ نظام جمهوری اسلامی باید استفاده کند؛ این را من البته به مجموعه‌های مدّاح و مانند این‌ها هم تذکر داده‌ام، به شما هم که اهل شعرید، تذکر می‌دهم...

البته شعر نوحه یک خصوصیتی دارد؛ یعنی از لحاظ لفظ، از لحاظ ترکیب، از لحاظ ساخت شعری یک خصوصیتی را باید داشته باشد تا جا بیفتد، تا نوحه‌خوان بتواند آن را بخواند. اما من خواهش می‌کنم این کسانی که اهل نوحه‌خوانی‌اند، اهل مرثیه‌خوانی‌اند، این‌ها توجه کنند؛ بخواهند و بپذیرند، بگیرند استفاده کنند و شما شعرای عزیز هم در این زمینه هرچه ممکن است دنبال کنید (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33557>).

۷-۱۱. شعر فارسی در خدمت حکمت اسلامی

«آثار ادبی می‌توانند به فهم مسائل و پرسش‌هایی کمک کنند که معمولاً مسائلی فلسفی به شمار می‌روند» (اسکیلاس، ۱۳۸۷: ۲۰۹). حکمای ایرانی پیچیده‌ترین مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی را در ادبیات بازتاب داده‌اند. شاعران حکیمی مثل: فردوسی، انوری، سنایی، نظامی و حکمای شاعری همچون ناصر خسرو، ملاهادی سبزواری، خیام، ملا عبدالرزاق لاهیجی، باباافضل کاشانی، ملامحسن فیض کاشانی، علامه طباطبایی، علامه محمدتقی جعفری و ... بیانگر پیوند شعر و حکمت اسلامی است.

۸. تعمیق معرفت دینی ادیبان، لازمه ترویج و تعمیق معنویت

لازمه اینکه ادبیات و زبان، ابزار ترویج و تعمیق معنویت باشند، این است که ذات آنها از معرفت و معنویت و اخلاق برخوردار باشد. تردیدی نیست که بزرگان ادبیات ایران محتوای شعر و نثرشان از غنای معرفتی والایی برخوردار بوده است. حافظ شعر خود را بیت‌الغزل معرفت می‌خواند. شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است (حافظ، ۱۳۷۱: ۲۴۳) و سرشار از لطایف حکمی و قرآنی.

زحافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد
لطایف حکمی با نکات قرآنی

(همان: ۸۸)

که همه اینها را مدیون مؤانست با قرآن است.

بنابراین یکی از دلایل ماندگاری و طراوت اشعار حافظ، سعدی، مولوی و عطار و ... به شخصیت آنان برمی‌گردد که عموماً انسان‌های حکیم و فرزانه‌ای بوده‌اند.

مقام معظم رهبری در توصیه به شاعران، ضمن تأکید بر تعمیق معرفت دینی به عنوان یک

ضرورت، اشاره‌ای به گذشته شعر ایران نموده و می‌فرمایند:

شاعر زمان ما با این ویژگی‌هایی که این زمان دارد، احتیاج دارد به معرفت دینی عمیق. امروز شما چه بخواهید، چه نخواهید، چه خودتان بدانید، چه ندانید، چه تصدیق بکنید یا نکنید، برای

بسیاری از ملت‌ها الگو و اسوه شده‌اید... شما اگر بخواهید به لوازم اسوه بودن و الگو بودن عمل کنید، بایستی معرفت دینی و معرفت اسلامی خودتان را عمق ببخشید؛ و این در گذشته‌ی شعر ما وجود داشته (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16980>).

ایشان به نمونه‌هایی از شعرای گذشته اشاره می‌کنند که در تعمیق معرفت دینی کوشا بوده‌اند:

۸-۱. فردوسی

اگر بخواهیم تمام بیت‌های حکمی و اخلاقی شاهنامهٔ فردوسی را استخراج نماییم، قطعاً مجموعه‌ای مستقل دارای چندین هزار بیت خواهد شد، شاید به اندازهٔ بوستان سعدی. شاهنامه همچنان کارکرد عملی و اجتماعی خود را نه تنها برای ایرانیان بلکه برای جهانیان حفظ نموده است، زیرا شعار فردوسی این است: جهان را همه چون تن خویش خواه (فردوسی، ۱۳۹۴: ج ۲: ۱۱۸۶/۶۶) و سرایندهٔ این حماسهٔ سترگ از لحاظ اعتقادی خود را خاک پای حیدر می‌داند.

بر این زادم و هم برین بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم

(همان)

فردوسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی است. به یک آدم داستان‌سرا، اگر صرفاً داستان‌سرا و حماسه‌سرا باشد، حکیم نمی‌گویند. این «حکیم» را هم ما نگفتیم؛ صاحبان فکر و اندیشه در طول زمان او را حکیم نامیدند. شاهنامه‌ی فردوسی پر از حکمت است. او انسانی بوده برخوردار از معارف ناب دینی. همه‌ی آن‌ها حکیم بودند؛ سرتاپای دواوینشان پر از حکمت است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16980>).

۸-۲. حافظ

تردیدی نیست که ساختمان غزل‌های حافظ متأثر از سوره‌های قرآن است و اگر جز این بود، شهرتش جهانی نمی‌شد. انس او با قرآن قطعاً در روحیه عرفانی‌اش مؤثر بوده است و به قول رهبر معظم انقلاب:

حافظ اگر افتخار نمی‌کرد به حافظ قرآن بودن، تخلص خودش را «حافظ» نمی‌گذاشت. او جزء حفاظ قرآن است؛ «قرآن ز بر بخوانم با چهارده روایت». حالا قرآء ما که با اختلاف قرائت هم می‌خوانند، معمولاً دو تا، سه تا روایت بیشتر نمی‌توانند بخوانند؛ اما او می‌توانسته با چهارده روایت قرآن را بخواند، که خیلی عظمت دارد. این آشنایی با قرآن، در غزل حافظ مشهود است، برای کسی که آن را بفهمد (همان).

۸-۳. سعدی، مولوی، جامی، صائب و بیدل

سعدی که خب، واضح است؛ مولوی که آشکار است؛ جامی و صائب هم همین جور. شما دیوان صائب را نگاه کنید، یک معرفت دینی عمیق در آن می‌بینید. انسان به بیدل که می‌رسد، به شکل دهشتناکی در شعر او معارف عمیق پیچیده‌ی دینی را مشاهده می‌کند. این‌ها بزرگان ما هستند، این‌ها ائمه‌ی شعرند؛ در واقع باید گفت پیامبران شعر فارسی، این‌ها هستند. این‌ها برخوردار از معارف بودند (همان).

۴-۸. شعرای معاصر

با بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری پیرامون تعدادی از شعرای معاصر، نکته قابل توجه تأکید بر ساحت اخلاقی و ایمانی و معرفتی این شعراست.

۱-۴-۸. مشفق کاشانی

«ایشان یک انسان محترم و آراسته به اخلاق خوب و رفتار خوب محسوب می‌شوند» (مقیسه، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

۲-۴-۸. سپیده کاشانی

«... یک چیزهایی در شعر ایشان پیدا می‌شود [که] آدم می‌بیند اصلاً این حتماً از دریچه غیب است که به دل پاک و باصفای ایشان باز شده» (همان: ۱۵۱).

۳-۴-۸. نصرالله مردانی

«... این شاعر مومن و پرتلاش سرمایه طبع روان خود را در خدمت معارف انقلاب قرار داده...» (همان: ۱۵۳).

۴-۴-۸. شفق (محمدحسین بهجتی اردکانی)

«ایشان عالمی پرهیزگار و ادیبی فرزانه و شاعری بلند آوازه و انسانی وارسته بودند» (همان: ۱۴۹).

۵-۴-۸. حسینی (حسن)

«این انسان فرزانه و آزاداندیش و این مؤمن پارسا و بافضیلت، یکی از نمونه‌های برجسته امروز و یکی از امیدهای آینده بود» (همان: ۱۴۶).

نتیجه

بیان عادی پیام‌های معنوی، از قدرت تأثیر آنها بر نفوس می‌کاهد و ادبیات با بن‌مایه‌های زیبا آفرین خود می‌تواند توصیه‌های اخلاقی و معنوی را با استفاده از ابزارهای گوناگون بلاغی - زیبا و گوش‌ناز

و تأثیرگذار - بر لوح جان‌ها حک نماید. در نتیجه، زبان و ادبیات فارسی در طول حیات خویش، کارکردهای سازنده خود در عرصه ترویج و تعمیق معنویت را در قالب‌های زیر ارائه نموده است:

۱. پیش از اسلام، در قالب اندرزنامه‌ها و پندنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های اخلاقی؛
۲. پس از اسلام، در قالب ادبیات تعلیمی و تبلیغی و متأثر از آموزه‌های اسلامی و دینی؛
۳. پس از انقلاب اسلامی، در قالب‌های نظم و نثر و به خصوص اشعار مهیج و انقلابی و محتوای نوحه‌های شورآفرین و معرفت‌افزا؛

نتیجه نهایی این است که زبان و ادبیات زنده و پویا و با ظرفیت فارسی، قابلیت تبلیغ معارف ناب اسلامی و انقلابی را دارد و می‌تواند هم در داخل کشور منشأ تحول باشد و هم در خارج از مرزها، انقلاب و فرهنگ و معنویت ایرانی - اسلامی را صادر و ترویج نماید.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- باقری، مهری (۱۳۷۳)، *مقدمت زبان‌شناسی*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- بصیری، محمدصادق؛ گلناز امجدی (۱۳۹۱)، «روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادب فارسی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، س ۴، ش ۱۵، ص ۶۷-۹۶.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۹)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش: ژاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن، چاپ ششم.
- حافظ (۱۳۷۱)، *دیوان اشعار*، به کوشش: علامه قزوینی و قاسم غنی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ چهارم.
- دغدغه‌های فرهنگی؛ شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ با استفاده از دیگر بیانات معظم‌له، (۱۳۹۱)، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، چاپ سیزدهم.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲)، *شعری دروغ، شعری نقاب*، تهران: انتشارات علمی، چاپ یازدهم.
- زبیدی، عزیزالله (۱۳۸۰)، *شعر چیست؟*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سعادت، اسماعیل و سایر نویسندگان (۱۳۸۴)، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *ادوار شعر فارسی*، تهران: انتشارات سخن.

- _____ (۱۳۹۵)، موسیقی شعر، تهران: نشر آگه، چاپ شانزدهم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، معانی، تهران: نشر میترا، ویراست دوم، چاپ چهارم.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۵۶)، *اخلاق ناصری*، به تصحیح و تنقیح: مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۳)، *بلاغت تصویر*، تهران: انتشارات سخن، چاپ سوم.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، *شاهنامه*، پیرایش جلال خالقی مطلق، تهران: انتشارات سخن، ج ۱.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۳)، «هویت ملی در شعر پژمان بختیاری»، سال ۵، ش ۴، ص ۲۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: صدرا، چاپ سی و ششم.
- مقیسه، محمد حسن (۱۳۹۵)، *امین زبان و ادب پارسی*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳)، *هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۸)، *مرزبان نامه*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی علیشاه، چاپ چهاردهم.
- هاکس، مستر (۱۳۸۳)، *قاموس کتاب مقدس*، تهران: اساطیر، چاپ دوم.